

## بسم الله الرحمن الرحيم

### رستگاری یافت اگر صادق باشد

(ترجمه)

حدیثی از طلحه بن عبیدالله، وی گفت: شخصی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد که وی زولیده موی از اهل نجد بود و صدایش مانند صدایی زنبور که تفکیک نمی‌شد، به گوش می‌رسید؛ تا این که نزدیک شد. وقتی پیش آمد از رسول الله صلی الله علیه و سلم درباره اسلام پرسید. رسول الله صلی الله علیه و سلم جواب دادند: «پنج وقت نماز در یک شبانه روز» پرسید آیا نمازی دیگری هم بر من لازم است؟ جواب دادند: نخیر؛ مگر این که نماز نفل بخوانی. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «و روزه ماه مبارک رمضان است.» آن مرد گفت: آیا روزه دیگری هم بر من است؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: نخیر؛ مگر این که روزه نفلی بگیری. پیامبر صلی الله علیه و سلم موضوع زکات را نیز تذکر داد. باز پرسید: آیا صدقه دیگری هم بر من لازم است؟ فرمود: نه؛ مگر این که صدقه نفلی بدهی. راوی می‌گوید: مرد نجدی بازگشت درحالی که قسم یاد کرد؛ قسم به الله که نه چیزی بر این می‌افزایم و نه از آن می‌کاهم. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: رستگاری یافت؛ اگر صادق باشد. (اخرجه البخاری)

عده‌ای از این روایت چنین استدلال می‌کنند که شخصی هر قدر گناه و معصیتی که مرتکب شود اگر نماز بخواند، روزه بگیرد و زکات بدهد وارد بهشت می‌شود. جواب بر این استدلال این است که روایت مذکور بر این امر دلالت نمی‌کند؛ چرا که این حدیث به روایات متعدد آمده است و با گرفتن یک روایت نمی‌شود که روایات صحیح دیگر را نادیده گرفت، لازم است تا هنگام تفسیر و توضیح یک حدیث به تمام روایات آن دست‌رسی علمی داشته باشیم و برای درک مطلب به گفته‌های اهل علم و شارحین حدیث رجوع نماییم. اهل علم و شارحین حدیث این گونه این حدیث را بیان نموده و به تعارضش جواب داده‌اند تا نیاز و عطش کسانی که خواهان حق هستند را برطرف نمایند.

امام نووی رحمه الله در شرح این حدیث چنین گفته است: فرضاً اگر چنین باشد؛ پس چگونه گفته است که نه چیزی می‌افزایم و نه چیزی می‌کاهم؛ درحالی که در این حدیث از دیگر واجبات، امور منع شده شریعت و مندوبات ذکری نیامده است؟ پس جواب بر این تعارض چنین است که این روایت در صحیح البخاری آمده است و در آخر روایت، اضافاتی است که هدف از حدیث را واضح می‌سازد. راوی گفت: پیامبر صلی الله علیه و سلم مردی نجدی را از احکامات اسلام آگاه ساخته و بعداً آن مرد نجدی بازگشت؛ درحالی که می‌گفت قسم است به الله که نه چیزی بر آن می‌افزایم و نه چیزی می‌کاهم، از آن چه الله سبحانه و تعالی بر من لازم گردانیده است. پس با عمومیت احکام و سخنش؛ یعنی آن چه که الله سبحانه و تعالی بر من لازم گردانیده، تعارض و اشکال فرایض را برطرف می‌کند.

پس روایت فوق واضح می‌سازد که این حدیث به این معنی نیست که فرد رستگار و کامیاب است هر چند معصیت و گناه را مرتکب شود و مطمئناً که بزرگان صحابه بر تمام فرایض مواظبت می‌نمودند و در این حال نیز الله سبحانه و تعالی آن‌ها را از حبط شدن و

هدر رفتن اعمال شان با انجام معصیت و گناه هشدارشان داده است؛ مانند: بلند کردن صدا در پیشگاه پیامبر صلی الله علیه و سلم؛ چنان چه الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ﴾ (الحجرات: 2)

**ترجمه:** ای کسانی که ایمان آورده/اید، صدای تان را بر صدای نبی بلند نکنید و با او با آواز بلند سخن نگویید؛ آن گونه که برخی شما با برخی دیگر تان بلند سخن می گوئید، مبادا که ندانسته اعمال نیک تان را هدر دهید.

حتی مبشرین (بشارت یافته گان) صحابه نیز بر خود ترس داشتند که مبادا نیکی های شان به سبب معاصی و گناه به هدر رفته و وارد دوزخ شوند.